خبر

### گلستان میزبان جشنواره فیلم فجر می شود

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان از اجرای جشنواره فیلم فجر در استان خبر داد و گفت: این جشنواره ۱۴ لغایت ۲۱ بهمن در گلستان برگزار می‌شود.به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاداسلامی گلستان، حجت‌الاسلام‌علی‌اصغر فضیلت، گفت: جشنواره فیلم فجر در استان گلستان از تاریه ۱۴ لغایت ۲۱ بهمن همزمان با سراسر کشور برگزار می شود.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان افزود: امسال دبیرخانه جشنواره بین‌المللی فیلم فجر تصمیم گرفت این جشنواره را همزمان در سی استان کشور و در یک سالن سینما به‌صورت هم‌زمان برگزار کند.وی بابیان این نکته که ۱۶ فیلم در تالار فخرالدین اسـعد گرگانی اکران می‌شود، اظهار کرد: علاقه‌مندان از چهارم تا هفتم بهمن‌ماه می‌توانند با مراجعه به سـایت www.cinogram.com بلیت دریافت کنند.حجت‌الاسلام‌فضیلت‌خاطرنشان‌کرد:هم استانی های عزیز می‌توانند در زمان اکران فیلم با تهیه‌بلیت‌ازگیشه‌تالارفخرالدین‌اسعدگرگانی، به‌تماشای فیلم‌های موردعلاقه‌خودبنشینند.

وی بـا یـادآوری این نکته که اکـران فیلمها بعدازظهرها خواهد بود، افزود: هر روز دو فیلم در زمان جشـنواره برای علاقه‌مندان در تالار فخرالدین اسعدگرگانی اکران می‌شود.

این مسئول گلستانی در توضیح اطلاع‌رسانی جشنواره فیلم فجر در استان، گفت: تبلیغات در صداوسیمای مرکز گلستان هم انجام‌شده است.

«»

### گران فروشی و کم فروشی در صدر تخلفات واحدهای صنفی

رئیس نظارت و بازرسـی سـازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان؛ گران فروشی و کم فروشـی را در صدر تخلفات واحدهای صنفی استان بیان کرد. به گزارش ایرنا، علی اصغر اصغری گفت: در آذرماه امسال ۲ هزار و ۷۹۲ واحـد صنفی، تولیدی و خدماتی در سطح اسـتان مورد بازرسی قرار گرفت که ۹۱ واحـد تخلف داشـتند. مشـاور رئیس سـازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان اضافه کرد: پرونـده تخلف این واحدها به ارزش ۵۲۷ میلیون و ۶۱۵ هـزار و ۸۰۰ ریال تشـکیل و جهت صدور رای نهایی به اداره کل تعزیرات حکومتی اسـتان ارسال شد.وی افزود که بیشـترین پرونده کشف تخلفـات در این ایام بـه ترتیب مربوط به شهرسـتانهای گرگان و کردکوی با موضوع گـران فروشـی، کم فروشـی و درج نشدن قیمت بود و بیشترین ارزش ریالی تخلفات مربوط بـه پرونده هـای واحدهای صنفی شهرسـتان گنبدکاووس بـود. رئیس اداره نظارت و بازرسی سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان همچنین فعالیت بازرسان را در برقـراری ثبات و امنیت در بازار و ایجاد فضـای روانی آرام در جامعه موثر بیان کرد و با تأکید بر اولویت رسـیدگی به شکایات مردمی، خواسـتار برنامه ریزی دقیق تر در امر آموزش و اطلاع رسانی و آگاهی بخشی از سوی اتاق های اصناف شهرستانها برای واحدهای صنفی و تولیدی شد.

«»

### ۳۵ کوهنورد مفقودشده ارتفاعات رامیان پیدا شدند

معاون امـداد و نجات جمعیت هلال‌احمر گلستان از پیدا شدن ۳۵ کوهنورد مفقودشده در ارتفاعـات اولنـگ شهرسـتان رامیان خبـر داد. به گزارش مهر، بـه نقل از هلال احمر گلسـتان، علیرضا صیـاد در رابطه با کوهنـوردان گمشـده در ارتفاعات منطقه اولنـگ گفت: سـاعت ۱۶ و ۴۵ دقیقه روز جمعه با اطلاع رسانی به مرکز فوریت‌های هلال‌احمر از مفقودی ۳۵ نفـر در منطقه کوه قاسـم خـان ارتفاعات اولنـگ باخبر شدیم و بلافاصله نیروهای هلال‌احمر برای امدادرسانی به منطقه اعزام شدند.وی افزود: در سـاعت ۱۹ و ۴۰ دقیقـه ۳۵ کوهنـورد مفقودشـده پیـدا و بعد از امدادرسـانی به منطقه امن منتقل شدند.معاون امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر گلسـتان از شرکت ۶ نجات گر و یک پرسنل در این عملیات خبر داد و گفت: یک دسـتگاه آمبولانس و یک دستگاه خودروی کمک دار سبک تجهیزات به‌کاررفته در این عملیات است.

# پاسرو چشم و چراغ بافت تاریخی است

مرمت «تکیه پاسـرو» در حالی امید دوست داران میراث فرهنگی را برای احیای زندگی در بافت تاریخی گرگان زنده کرده است که علی رغم مشارکت فعال بخش خصوصی شاهد حضور کمرنگ متولیان دولتی است. به گزارش مهر، این روزها وارد بازارچه نعل‌بندان شهر گرگان که شوید در کنار صدای کسبه بازار که قیمت اجناس خود را برای جلب مشتری با صدای بلند اعلام می‌کنند صدای چکش‌کاری و ساخت‌وسـاز هم به گوش می‌رسـد. کوهی از تیرچه آهن‌هـای به روی‌هم ریخته در محوطه ورودی نعل‌بندان و کارگران مشـغول به کار تصویری است که این روزها کسبه و رهگذران این بازار هرروز با آن روبه‌رو می‌شوند. اینجا کارگاه اجرایی «تکیه پاسرو» یکی از تکیه‌های تاریخی شهر گرگان بوده که در حال مرمت و بازسازی است. محل ابتدایی این تکیه در منطقه بانک صادرات فعلی در خیابان شـهدا قرار داشته اما به دلیل خیابان‌سازی در دوره پهلوی (رضاشاه) از بین رفته است؛ اما محل فعلی تکیه پاسرو در ضلع شـرقی مسجد جامع و ورودی بازار نعل‌بندان شهر گرگان قرار دارد و از آنجایی که این تکیه در مرکز شهر قرار داشـته مغازه‌ها و تکایای واقع در طبقه زیرین این تکیه از رونق خاصی برخوردار بوده و هسـت. حدود یک سالی است که کار مرمت تکیه پاسرو آغازشده و انتظار می‌رود این تکیه برای محرم سال آینده آماده بهره‌برداری باشد. با مرمت و بهسازی تکیه پاسرو مغازه‌های اطراف این تکیه هم مرمت‌شده و نمای بافت تاریخی را به خود می‌گیرند. اکثر کسبه و مغازه‌داران نعل‌بندان از نمای مغازه‌های خود و مرمت تکیه پاسرو اظهار رضایت می‌کنند. علی باقرتبارکیی از کسبه‌ای است که مغازه کبابی در طبقه همکف تکیه دارد، وی بابیان اینکه دوسـت داریم هرچه سریع‌تر کار مرمت تمام شود، گفت: برای مشارکت در امر بهسازی حدود ۶۳ روز مغـازه خود را تعطیل کردم و هزینه درب‌های چوبی را هم من و هم سـایر مغـازه‌داران خودپرداخت کرده‌ایم. احمدی یکی دیگر از مغازه‌داران بازارچه نعل‌بندان نمای در نظر گرفته‌شده برای تکیه را زیبا توصیف کرد و گفت: اینکه این تکیه دوباره مرمت می‌شود بسیار خوشحالم اما درب‌های چوبی که برای مغازه‌های ما در نظر گرفته‌شده از امنیت کافی برخوردار نیست و کمی مغازه‌داران را نگران کرده است.به سراغ یکی از اعضای هیئت امنای تکیه پاسرو رفتیم تا اطلاعاتی در رابطه با گذشته و وضعیت فعلی این تکیه جویاشویم.

**تکیه پاسرو معروف به گذر خیمه دوزان**

محمد کاوه گفت: این تکیه درگذشـته‌های دور به «گذر خیمـه‌دوزان» معروف بوده و در وقف نامـه‌ای که داریم این ملک وقف برگذر خیمه‌دوزان و در پرانتز پاسرو فعلی نوشته‌شده اسـت. وی افزود: تکیه اصلی پاسرو در زمان رضاشاه در خیابان پهلوی دژ سابق ساخته شد اما به دلیل خیابان‌سـازی از بین رفت، اما مردم بعد از بین رفتن این تکیه در مدرسه‌ای به نام «سردار» عزاداری می‌کردند. کاوه تصریح کرد: سنگ بنای محل فعلی تکیه پاسرو توسط پدر من یحیی کاوه و چند نفر دیگر در سـال ۱۳۲۳ گذاشـته شد. عضو هیئت‌امنای تکیه پاسرو اظهار کرد: این تکیه در دوطبقه از خشت خام و چوب ساخته‌شده بود اما طی گذر زمان رفته‌رفته فرسوده شد و شهرداری گرگان در نامه‌های متعددی خواستار رفع خطر از سوی ما می‌شد. وی تصریح کرد: فرسـودگی بنا به‌قدری بود که ما تصمیم گرفتیم در یک سال محرم برنامه‌ای در آن برگزار نکنیم که با مخالفت ریاست سازمان اوقاف آن زمان روبه‌رو شد و درنهایت با فشارهایی که از سوی شـهرداری به ما وارد شد ۱۰ سال پیش تصمیم به ترمیم تکیه گرفتیـم. کاوه ادامه داد: ما در آن زمان با اخذ مجوزهای مختلف شروع به بازسازی تکیه کردیم اما از آنجایی‌کـه این تکیه ازنظر متراژ کوچک بود تصمیم گرفتیم یک طبقه دیگر به آن اضافه کنیم؛ اما بعد از ریخته شدن فونداسیون در دو نقطه و نصب تیرچه‌های آهنی برای سـقف ناگهان میراث فرهنگی اعلام کرد این بنا جزو بافت تاریخی بوده و نباید به این شـکل ساخته شـود. وی با ابراز ناراحتی از اتفاقات رخ‌داده در آن زمان تصریح کرد: تکیه در مکانی واقع‌شـده بود که هرروز در مسـیر رفت‌وآمد اکثر مسئولان آن زمان بود چطور زمانی که در حال سـاخت بود کسی به ما هشدار نداد این تکیه میراث فرهنگی اسـت و نباید به این‌گونه ساخته شود اما همین‌که ما به مراحل پایانی رسیدیم این قضیه مطرح شد. کاوه گفت: ۱۰ سال به دلیل فشار میراث فرهنگی و نداشتن بودجه کار را تعطیل کردیم و متأسفانه کاری که در آن زمان با ۲۰ میلیون تومان انجام می‌شـد حالا باید با یک میلیارد تومان آن را تمام کنیم چراکه تمام هزینه‌ای که در آن زمان کردیم از بین رفت.وی اظهار کرد: زمانی که خواسـتیم با مشارکت دفتر به سازی کارترمیم تکیه را انجام دهیم به ما گفته شـد اگر ۲۰ درصد بودجه تأمین شود ما بقیه آن را تأمین می‌کنیم و ما هم بودجه‌ای که از محل‌های مختلف مانند اجاره محوطه، اجاره ساختمان، کمک‌های مردمی و یا چیزهایی که هیئت‌امنا توانستند جمع‌آوری کنند مبالغ خواسته‌شده را تأمین کردیم.کاوه بابیان این نکته که پیشرفت فیزیکی این تکیه تا اینجا فقط با هزینه ما پیش رفته است، گفـت: در حال حاضر کفگیرمان به ته‌دیگ خورده و اگر می‌دانستیم دفتر احیا و بهسازی هم کار را به تعویق می‌اندازد به آن دست نمی‌زدیم.کاوه با اشاره به مغازه‌های موجود در طبقه پایین تکیه پاسرو گفت: یکی دیگر از دلایل به تعویق افتادن ساخت‌وساز این است که مغازه‌های طبقه پایین تکیه فعال هستند و رونق دارند و ما نمی‌توانیم برای چندین ماه مغازه آن‌ها را تعطیل کنیم.این عضو هیئت‌امنای تکایا بابیان اینکه هیچ‌کدام از دستگاه‌های اجرایی برای ساخت این تکیه کمک مالی نکرده‌اند، اظهار کرد: از تمام دستگاه‌های اجرایی که توان مالی دارند خواهش می‌کنیم کمک کنند تا ساخت این تکیه به پایان برسد؛ چراکه این تکیه‌ها یک مکان عامه اسـت و اگر از این ملک استفاده نشود نیت واقف هم از بیـن می‌رود.کاوه افزود: امیـدوارم کمک و همکاری‌های همه‌جانبه باعث شـود همان‌طور که این بنا به دسـت ما رسیده به دست فرزندان ما هم برسد و این رسم و رسوم زنده نگه‌داشته شود.

حسـین کتولی، مدیر دفتر احیا و بهسازی بافت تاریخی گرگان اظهار کرد: این بنا به دلیل آسیب‌هایی که داشت ده سال پیش با نظر هیئت‌امنا تصمیم به بازسازی آن گرفته شد اما از آنجایی‌که بازسازی با بافت قدیمی این بنا همخوانی نداشت میراث فرهنگی از این کار جلوگیری کرد.وی افزود: هیئت‌امنا تصمیم داشتند با نصب اسکلت فلزی یک طبقه به این تکیه اضافه کنند اما این کار تکیه پاسرو را از سیمای بافت تاریخـی خارج می‌کرد و مخالفت میراث فرهنگی باعث به وجود آمدن گرهی در این کار شـد.کتولی بابیان اینکه دفتر احیا و بهسازی بافت‌های تاریخی نهادی است که وظیفه تسهیل گری فعالیت‌های به سازی بافت تاریخی شهر گرگان را به نمایندگی از وزارت راه و شهرسازی بر عهده دارد، گفت: با همکاری اداره کل راه و شهرسـازی استان گلستان از حدود یک سال و نیم پیش دفتری در این منطقه تأسیس شد و با سفری که وزیر و معاون وزیر به این منطقه داشتند قرار بر این شد بازسازی تکیه پاسرو به‌عنوان پایلوت بازآفرینی شهر گرگان اجرا شود.رئیس دفتراحیا و بهسازی بافت تاریخی شهر گرگان گفت:امیدواریم با توجه به پتانسیل‌های اجتماعی و مشـارکت‌های مردمی که در حوزه تکایا وجود دارد بتوانیم تعدادی از این تکایا را زنده کنیم با این رویکرد که وقتی تکایا زنده شوند مرکز فعالیت شهر زنده می‌شود و درنتیجه بافت تاریخی احیا می‌شود.

**تکایای بافت تاریخی پروژه‌های محرک توسعه هستند**

رئیس دفتر به سازی بافت تاریخی گرگان گفت: ما به تکایا به چشم پروژه‌های محرک توسعه نگاه می‌کنیم و این هم به دلیل مطالعاتی است که در سال‌های بین ۸۵ الی ۸۸ بر روی تکایا انجام‌شده است.کتولی بابیان اینکه مجموعه دفتر بهسازی بافت تاریخی گرگان کار طراحی و نظارت را انجام می‌دهند، اظهار کرد: پیمانکاران واجد شرایطی هستند که عملیات بهسـازی و مرمت را انجام می‌دهند و ما آن‌ها را هدایت می‌کنیم.وی بابیان اینکه ما عملیات بهسازی و مرمت را در چهار نقطه بافت تاریخی شـهر گرگان آغاز کردیم، تصریح کرد: مجموعه هیئت‌امنای پاسرو از فعالیت‌های ما مطلع شدند و از آذرماه سال ۹۴ با مراجعه به ما اعلام کردند این آمادگی از سوی آن‌ها وجود دارد که گره کار باز شود و با جمع‌آوری اسکلت فلزی تکیه به شکل اولیه خود در دهه ۲۰ بازگردد.کتولی بابیان اینکه از ابتدا تمایل داشتیم تکیه پاسرو خیلی زود ساماندهی شود، گفت: اما متأسفانه این امر سـالیان دراز به طول انجامید و با توجه به این امر که تخصیص اعتبارات اصلاً صورت نگرفت و بودجه عمرانی دستگاه‌های اجرایی صفر بوده است؛ ما قالب پروژه‌هایمان در چهار محله دیگر بافت تاریخی یا متوقف شد یا اصلاً شـروع نشد منتهی چون برای تکیه پاسرو آمادگی وجود داشت و برای شروع کار، هیئت‌امنا هزینه‌ها را تقبل کردند ایـن کار را آغاز کردیم. وی تصریح کرد: برای بهسـازی مرمت تکیه پاسرو مجموعه احیا و بهسازی از اعتبار خودش برای این کار گذاشت و یکسری از تعهدات را قبول کرد تا ایـن کار را پیش ببرد اما به ازای دریافت آورده مردمی کار را آغاز کردیم.کتولی گفت:به دلیل شرایط اختصاصی کسبه و فعال بودن مغازه‌های آن مکان فقط می‌توانستیم در ایام محرم که بنا به سنت چندین ساله در دهه اول محرم تمام آن مغازه‌ها تخلیه‌شده و تبدیل به تکیه می‌شود.

خودمونی (۱)

### بالاخره باید باشیم و ...

این روزها همه دوست داریم خودمون نباشیم و به عبارت دیگر دوست داریم یکی دیگه باشیم. یکی که خودمون نیستیم.

مثلا دوست داریم شـجریان‌باز باشیم در حد مرحوم مشکاتیان یا هوشنگ ابتهاج و درحالی که تا به حال هیچ ترانه‌ای رو از شجریان گوش نکردیم و فلش هامـون پر از صدای امیر تتلو هست... همه جا می نویسیم خدایا شکرت که استاد سلامت هستند و به مام وطن بازگشتند.

قاعدتـا توی تاکسـی اگـر رادیو پیـام، ترانه گل‌پونه‌های بسـطامی رو پخش می‌کنه بعد از تکون دادن سر، میگیم واقعا چه خوب شد استاد به ایران برگشت. حیف صاحب این صدا نیست که اینجا نفس نکشه . البته خیلی مطمین نیستم با داشتن آون فلش پر از تتلو بشه چنین اظهار نظری کرد .یا دوست داریم خودمونو گیاه‌خوار معرفی کنیم تو جمعی که همه گیاه‌خوارند.غافل از اینکه وقتی اسم چلوماهیچه رو می‌شنویم در ناخودآگاهمون رسـتوران‌های شاندیز جردن ،لوکس طلایی، پسرخاله هشتگرد، پسران کریم مشهد یا همین اکبر جوجه و جیگرکی های گرگان طوری نقش می‌بنده که با سـر رفتیم توی ظرف ماهیچه و با دیدن سیخ شیشلیک عارف می‌شیم و اشعار مولانا رو مرور می‌کنیم.

تازه این که خوبه ... انواع اپلیکشن های معرفی رسـتوران های مختلف رو نصب میکنیم تا خدای نکرده از دوستان جا نمونیم.یا دوست داریم خودمون رو مدافع حقوق زنان معرفی کنیـم وقتی هنوز از بیـان خاطرات پروندن متلک‌های سـبز خیلـی پررنـگ تو جمع دوستان لذت می‌بریم و قاه قاه می‌خندیم. .....

حتی برای اینکه بگیم خیلی مدافع حقوق زنان هستیم هرچی بلدیم زیر عکس اینستاگرام براد پیت و جانی دپ می‌نویسیم

یا اینکه دوسـت داریم بگیم مدافع طبیعت و محیط زیست هستیم خصوصا دریاچه ارومیه و همه‌ی کاری که ممکن است بکنیم اینه که؛ هشـتک به علاوه من دریاچه ارومیه هستم، من خرس لرسـتان هسـتم، من کویر لوت هستم، من کوه دماوند هستم، من گنجشکک اشی‌مشـی هسـتم و .....اوف جـو گیری هستیم....

البته که با سـیزده‌بدر و جوجه زدن وسـط پارک نمیشه شوخی کرد. این روز براتون خیلی مهمه و همچنین هرازگاهی به دندان کشیدن کباب بلدرچین. با اون یک و نیم نوشابه بگذریم.... ما رو وارد حاشیه نکنید

دوست داریم یک فعال سیاسی یا اجتماعی باشـیم که دیگه اینجا اوج خود نبودنمونه.... هـر روز عکس پروفایلمـون یـک نفر دیگه اسـت بی‌آونکه اون خوده خودمون تغییر کنـه و بی اونکه حـال اون دیگری برامون مهم باشه.و چه ترسناکه دنیای این روزهای ما وقتی می‌بینیم یا حدس می‌زنیم هیچکس اونی نیست که می‌گه و باز هم سعی میکنیم اونی که نیستیم باشیم!!!

نیکو بهجتی

### نشست هم اندیشی جوانان انقلابی برگزار شد

نشست هم اندیشی جوانان انقلابی ایـران با حضور گسـترده جوانان معتقد به آرمان های انقلاب اسلامی برگزار شد. نشسـت هم اندیشی جوانان انقلابی ایران روز پنج شنبه در سـالن همایش یادمان شهدای هفتم تیرماه برگزار شـد. در این نشست محمد عباسی رئیس مجمع مشـورتی جوانان انقلاب اسـلامی ایران به ایراد سـخنانی در خصوص اهمیت و جایگاه نقش جوانان در پیشبرد اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی پرداخت.وزیر سابق ورزش و جوانان در قسـمتی از سخنان خود با اشاره به حمایت رهبر معظم انقلاب اسـلامی از جوانـان مومن و انقلابی، بـر لزوم تبدیل شـدن رویکرد رهبری بـه یک گفتمـان و روش در اداره کشـور تاکید کرد. به گزارش خبرگزاری تسنیم، عباسی گفت: موضوع اشتغال جوانان تنها یک موضوع اقتصادی نیسـت بلکه جنبه اعتبار اجتماعی آنان برای اینکه اثر بخش باشـند مهم‌تر اسـت. توجه به اشتغال و متعاقبا اعتبار جوانان اسـت. متاسفانه هم اکنون نرخ بیکاری جوانان به ۳۰ درصد رسیده است.. «دبیر مجمع مشورتی جوانان انقلابی ایران در ادامه افزود: «مسئله تامین مسـکن جوانان موضوع دیگری اسـت که باید بطـور جدی مورد توجـه قرار گیرد. وی بـا انتقاد از ناتوانی دولت در ایـن زمینه گفت: وقتی نگاه مردمی در اداره کشـور باشد در عرض چند سال بیس از یک میلیون واحد مسکن برای کم درآمدها با انسجام آنان در تعاونی‌های مسـکن مهر آماده می‌شود اما اگر نگاه اشرافی بر نظام اجرایی حاکم باشد این کارها مزخرف محسوب می شود.وی در خصوص ادعای دولت مبنی بر عدم توانایی تامین منابع لازم برای وام ازدواج جوانان اظهار داشت : «زمانی که سخن از ازدواج جوانان آن‌هم در حـد وام ۳ میلیون تومانی مطرح می‌شـود، خزانه خالیست. سوال اصلی اینجاست که آیا برای سه برابر شدن اعتبارات جاری دولت در همین فاصله محدودیتی نیسـت؟ چرا در مخارج این‌چنینی دولت که می‌شود در هزینه‌هـای مانند حقوق‌هـای نجومی و ریخت و پاش‌هـای دیگر هرینه گردد صرفه‌جویی نمی‌شـود؟ رفتار شـعار گونه بـر جایگاه جوانان مشـکلی را در جامعه و اقتصاد کشور حل نخواهد کرد. جوانان کشور ما آماده نقش آفرینی در کشـور با محوریت دانایی و بصیرت خود هستند. باید از این ظرفیت در اداره کشور استفاده شود. همچنین تحقق اقتصاد مقاومتی با حضور و نقش آفرینی جوانان امکان‌پذیر خواهد بود».

آگهی مجمع عمومی عادی

انجمن صنفی پیمانکاران گاز شهرستان بندرگز و حومه

جلسـه مجمع عمومی عادی انجمن صنفی پیمانکاران گاز شهرسـتان بندرگز راس سـاعت ۱۰ صبح روز دوشنبه ۱۸/۱۱/۹۵ در محل دفتر انجمن واقع در خیابان امام جنب اداره امور مالیاتی شهرستان بندرگز برگزار می گردد. بدینوسیه از کلیه اعضا دعوت بعمل می آید در این جلسه شرکت نمایند.

دستور جلسه: انتخابات هیئت مدیره و بازرسان

آگهی تجدید مزایده عمومی
«مرحله سوم»

سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری گرگان به استناد ماده ۳۰ آئین نامه معاملاتی شهرداری و مصوبه ۹۳/۷۲۳/۳ شورای محترم اسلامی شهر در نظـر دارد ، بهره برداری از فضاهای تبلیغاتی استند محدوده شهر گرگان را برای مدت ۲۴ ماه از طریق مزایده و بر مبنای قیمت پایه کارشناسی واگذار نماید. لذا کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی دارای مجوز فعالیت از مراجع ذیصلاح( فرهنگ و ارشاد اسلامی) می توانند از تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۴ تا ۱۳۹۵/۱۱/۱۴ به امور مالی سازمان فرهنگی ورزشی به آدرس : گرگان – چهارراه گلها – خیابان شهید مصطفی خمینی (ره) – جنب شهرداری منطقه یک ، یا به سایت شهرداری گرگان قسمت مزایدات مراجعه و با رعایت شرایط مزایده ، اسناد و مدارک مورد نظر را دریافت و نسبت به تکمیل و تحویل اسناد تا پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۴ در پاکت لاک ومهر شده به دبیرخانه سازمان فرهنگی ورزشی به آدرس فوق الاشاره اقدام نمایند.

مهدی خسروی – مدیرعامل سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری گرگان
شماره تماس: ۳۲۱۶۰۶۲۳–۰۱۷ و ۳۲۱۶۰۶۲۲–۰۱۷ و ۳۲۱۲۶۱۲۰–۰۱۷

آگهی‌های ثبتی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۴۳/۶۳ مترمربع دارای پـلاک فرعـی ۲۵۸۰ فرعـی از ۱۰۸ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان ملکی هاجر ربانی فرزند محمد در سـاعت ۱۰/۳۰ صبح روز شـنبه ۱۳۹۵/۱۱/۳۰ در محل وقوع ملک واقع درگرگان خیابان امام رضا کوچه ۴۲ نیکان ۱۴ بعمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه برآن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیراینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند بادادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۶۷۴۵ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای حسـن جوادی با ارائه ۲ برگ استشـهادیه گواهی شده توسط دفتر ۵۲ گرگان ادعا نموده سـند مالکیت ششدانگ پلاک ۱۲/۱۱۹۲۶ ـ اصلی بخش ۴ ثبت گرگان که ذیل ثبت ۱۹۸۹۱ و صفحه ۲۰۸ جلد ۱۱۶ بنام حسن جوادی فرزند عبدالجواد بشناسـنامه ۱۵۰ ملی ۲۰۳۱۳۹۵۷۲۶ صادره گنبد کاووس ثبت و سـند مالکیت کاداسـتری بشماره مسلسـل ۵۷۰۳۸۰ صادر شده به علت جابجایی نامبرده تقاضای صدور المثنی سـند مالکیت را از این اداره نموده اسـت. از این رو باسـتناد به ماده ۱۲۰ ـ اصلاحـی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هر کس نسـبت به ملک مورد آگهـی معامله دیگری انجـام داده یا مدعی وجود سـند مالکیت نزد خود باشـد ظرف مـدت ده روز ازتاریـخ آگهی اعتراض خـود را ضمن ارائه مدارک و مسـتندات به این اداره تسـلیم نماید در غیر اینصـورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسـبت به صدور سـند مالکیت المثنی اقدام خواهد شـد.
محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک گرگان ـ ۶۷۳۱ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای حسـن جوادی بـا ارائه دو برگ فرم استشـهادیه گواهی شـده دفتر ۵۲ گرگان اعلام نموده که سـند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان به پلاک ۱۲/۳۳۰/۱۱۹۲۷ ـ اصلی واقع در بخش ۴ ثبت گرگان ذیل ثبت ۱۲۶۵۵ صفحه ۲۹۸ جلد ۸۴ بنام حسـن جوادی فرزند عبدالجواد ب ش ش ۱۵۰ صادره گنبد و کدملی ۲۰۳۱۳۹۵۷۲۶ از نوع تک برگی به شـماره مسلسل ۵۷۰۳۸۱ مسبوق به سابقه ثبت و صدور سند مالکیت می باشد اعلام نموده که سند اولیه به علت جابجائی مفقود گردیده لذا نامبرده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده است. از این رو باستناد به ماده ۱۲۰ ـ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد ظرف مدت ده روز ازتاریخ آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.
محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک گرگان ـ ۶۷۳۰ م الف

خبر

### زیبایی و رشد شهر گرگان نیازمند جذب سرمایه گذار است

شـهردار گرگان خواسـتار حمایت هر چه بیشتر اعضای شورای شـهر از برنامه های شهرداری شد و گفت: برای رغبت سرمایه گذار و ساختن شـهری آباد نیازمند جذب هرچه بیشتر صاحیان سرمایه هستیم و اساسا درآمـد پایدار به وحدت نیاز دارد.حسـین صادقلو که در نشست شورای شهر گرگان و برای دفاع از لایحه شـهرداری با موضوع کاهـش دریافت عـوارض انبوه سـازان و فعالان حوزه صنعت ساختمان شرکت کرده بود افزود: در آمد پایدار ریسـک و جرات می خواهد و به وحدت نیـز نیاز دارد.وی گفـت: وقتی بین همکاران شـهرداری و یا اعضای شـورا اختلاف وجود داشته باشد؛ سـرمایه گذار به جای مشـارکت در امور شـهری پولـش را بـه بانک و موسسـات مالـی انتقال داده و از سـود بـدون دغدغه آن بهره مند می شود.شهردار گرگان گفت: همانطور که دولت بـرای گرفتن مالیات از ملت اجازه نمی گیرد شـهرداری هم برای گرفتن عوارض به اجازه مـردم نیاز ندارد؛ شـتر سـواری دولا دولا نمی شـود؛ نمی توان بدون عوارض شـهر مدرن و مکانیزه را سـاخت.صادقلو ابراز داشت: دولت یک ریال به شـهرداری کمک مالی نمی کند و ما با همان درآمد های ناشـی از لایحه های پیشنهادی و به سختی شهر را اداره می کنیم. وی از اعضای شورای شهر گرگان خواست در انـدک زمـان باقیمانده از عمر شـورا با همفکری و همدلی به اداره امور و پیشرفت شهر کمک کنند.

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن مهر
www.golshanemehr.ir

---

شعر

### شعری از محمد مطلوب طلب

پشت سر لشگری از پیش به فرمان داریم
پیش رو دشمن هستی فراوان داریم
جنگ در نقطه ی کوریست اگر می بینی
اینکه افراد زیادی نه به میدان داریم
پرسشی هست که همواره مرا خواهد برد
آخر جاده کجاییست که پایان داریم
ادعا کن به رسالت،به دروغینت،ما
به نیاوردن یک معجزه ایمان داریم!
برف می بارد و چیزی که نمی باردها
رد پاییست که دنبال زمستان داریم
آنچنان خیره که انگار منیم از اول
قصد نوشیدن تا اول فنجان داریم!
بر که میگردم از این فاصله بر میدارند
گامهایی که به عنوان خیابان داریم!
هی دعا کردم و این دشت چنین گسترده
چتر، بازیست که اندازه ی باران داریم!
هیچ چیز آن طرف آینه ها پنهان است
هیچ چیز این طرف آینه پنهان داریم!
می توانیم به آغوش هم آزاد شویم
ما بدن های نیفتاده به زندان داریم

«»

### شعری از سمیه حسام

خواستم‌شعری
بگویم حال دل بهتر شود
تا تمام دردهایم
بعد از آن پرپر شود

خواستم با بی قراری با خودم خلوت کنم
دست تقدیرم بگیرم روسپید آخر شود

دیدم این تقدیر لاکردار از بس تیره است
مثل شب با هر چه تاریکی ست هم بستر شود

روزگارم بس همه در چرخش تصویرهاست
چند قاب تازه باید تا که بازیگر شود

دشمنانم بس همه شمشیر از رو بسته اند
در دفاع از خود مگر این بیت ها خنجر شود

فکر کردم با غزل غسلی دهم این شعر را
گریه ها کردم که تا این شعر هم سنگر شود

خواستم با این غزل قافیه پردازی کنم
قافیه اصرار دارد زندگی بهتر شود

سطر سطر این غزل طوفان در جامانده است
تا به وقتش آتشی در زیر خاکستر شود

من که از تقدیر شوم خود خبر دارم ولی
عاقبت ترسم که شاید شاعری کافر شود

«»

### شعری از زهرا رنگانی

می آبی
خیس همان صداست
بیش از جنون نسیم
باچشمان فرشتگان
می خوانی
آیا
«تنها صداست که می ماند»
حنجره
لبریز آوازهای بریده
همه سوها بغض
همه سوها چشم
حنجره های عطش
حنجره های شراب
بیش از باران
با گیسوی از شک و هراس
تنهایی را پریشان میکنی.....

اصلاحیه

نیما و شعر فارسی

در ویـژه نامه نیما یوشـیج،مطلبی از آقای حبیب موسـوی بی بالانی در شماره ۱۵۳۹ صفحه ۳ چاپ شده بود که در خصوص تیتر مطلب اشتباهی صورت پذیرفته و از «منتهی به نیما» به «نیما و شـعر فارسی» تغییر یافته بود. سرویس ادبیات و اندیشه گلشن مهر بابت این خطای رخ داده هم از ایشان و هم از مخاطبین محترم پوزش می طلبد.

حسین عبدالوند

# بار دیگر شمس لنگرودی

روزی در مصاحبه هایش می گفت جواد یساری گوش می دهم و دلبسته ی اشعار کارو هستم...روزی در مصاحبه ای جنجالی به ساده نویسی و در حرکتی ادامه دار از سمت طرفدارانش حتی به سهل و ممتنع بودن شعرش اشاره شد. امروز هم در ادامه ی همان مباحث بخش مهمی از شعر این سالها را نشانه رفت.

شـمس لنگرودی در اوایل دهه ی هشتاد تقریبا هر سال خودش را در لیست کتاب ها و نامها قرار می دهد..بعد از باغبان جهنم ،هرسال همراه با خودش و جماعتی از طرفداران کتابی به بازار معرفی می کند...چند گزینه اشعار به انتخاب کسی و چند مجموعه شعر هم که خود...

در اینجـا نه کاری به تاریخ تحلیلـی او داریم که قوت و ضعفش گفته شده و نه کاری به ساده نویسی او که آن هم خیلی ها گفتند و ..گفتیم.. بحث من با هذیان گو خواندن رویایی و براهنی ست...با چند سوال ادامه می دهم.. چرا تمام حواشی ها و تناقضات و پاره گفتارها و در کل تنش های ایجادی مربوطه ،از دل مصاحبه های شمس بیرون می آید ؟یعنی در سـوالات پراکنده و جواب هـای یکی دو خطی. هرگز مباحثش را منظم و مستند ثبت نکرده است و...آیا این همان شارلاتانیسم ادبی نیست که چشم به واکاوی جملات و سطرهایش لابه لای مواضع مخالفین و خوانندگانش باشـد خود به گوشـه ای بخزد تا روز بعد و مصاحبه ای دیگر....آیا این همان از آب گل آلود ماهی گرفتن نیسـت؟..او چهره ای مشروع و قابل توجیه از خود نشان داده است،در رسانه ی ملی میرود و با ملاحظه حرف می زند ،با نگاه مارکسیستی مشکل دارد و شعرهایش از نوع بی خطر است و مجوز بگیر..

البته اورا نمی شـود کم گرفت..دو کار تحقیقی خوب دارد..گردباد شور و جنون و مکتب بازگشـت...اولی در باب کلیم کاشانی ست با کمک شایانی به علاقه مند شعر دوره ی صفویه .. مکتب بازگشت هم ادامه ی متحجر و قهقرایی شعر فارسی را بعد از صفویه بررسی می کند..اما به هر حال به زعم من این دو کتاب در کنار تاریخ تحلیلی،بیشتر اشاره به منابع است تا تالیفی!

بگذریم...! به روایت رویایی و براهنی از دید او می پردازیم...

رویایی را نمی توان نادیده گرفت چرا که از دوستت دارم و لبریخته ها و هفتاد سنگ...امضاها نمی توان گذشت...رویایی برعکس شمس برای نوشته ها و گرایشش تئوری دارد...و می دانیم آن را نه در یک یا دوجای تصادفی،که در تداومی چندساله پیاده می کند.او تکلیفش معلوم است.. مولف است و سالها پیش از چند تن از افراد حالا امتحان پس داده ،تاییدیه ی کارش را گرفته است..فرم و در ادامه ساختار را می شناسد...فرم را در پیوستگی ها و ارتباط شکلی درون متن و ساختار را در ادامه ی معنایی و قیاسش در زمانی ژانر...حال مگرمی شودحجم سرایی پنجاه ساله ی رویایی را که مخاطبان خود را تا اکنون داشته و بعد از اکنون هم دارد هذیان دانست..این طور به خیلی از حضرات رفته و مانده توهین می شود ..از ابتدا که اسلامپور و شجاعی و تا ...شمس نمی داند رویایی به قول بعضی،خُمار تئوریک نیسـت.. درنگی که در مخاطب شعر حجم است و اورا به واسطه ی آشنایی زدایی در دلالت های متن کُند و با تأمل می کند،بی معنی ست؟ براهنی مگر کم مباحث تالیفی داشته است؟ به هر حال داستا و شعر معاصر بی او و نظراتش کم دارد...اگر به اصوات و تمهیدات و به نوعی انحراف سبکی از نورم توجه دارد،می شود هذیان گویی؟ شـعر براهنی برعکس شمس اگر از دستور می گریزد و معنا را مماس با انسان امروز در تشتت و گسیختگی تجربه می کند،آیا بی معنی ست؟الگوی زبانیت براهنی اگر به تعویض بعضی عناصر نخ نمادست می زند بی معناست؟ حال این کلی گویی های شمس رامقایسه کنید با مباحثه و نه مجادله ی این دو عزیز...براهنی بعد از خطاب به پروانه ها مباحثش را مطرح می کند هرچند گفت هایش پیشینه ای چند ساله و شاید به گفت و گوی ناصر حریری برسد اما اینجا مفصل تر است و...الغرض به بی معنی گویی و رادیکالیسم و بی سوادی و...متهم می شود..پس شمس تا اینجا فقط حرف نارس خوانندگان سـالهای هفتاد و پنج وشش را تکرار می کند...اما انتقادهای رسمی و غیر رسمی ادامه دارد تا رویایی در مطلبی با نام ..مؤخره ای بر آینده ی شعر فارسی ...در کارنامه و شهروند سال ۸۰..به نگرشش در باب زبان اشاره می کند و غیر مستقیم و بی هیجان انتقاداتی را هم به براهنی وارد می داند...پس بحث پایه ای مطلب رویایی هم معنا و بی معنایی ست و..پس حرف شمس لنگرودی تازه نیست همان است که رویایی می گوید با این تفاوت که شمسبر عکس رویا در مصاحبه و کلی و کنایی و بی سند بیانش می کند...همان وقتها کسی مانند فرخ فال به مشکل این دو اشاره می کند و سعی می کند رویا را از عرفان و امور دستوری مثال بزند و بحث را به نفع براهنی تمام کند..

**حرف آخر:**

شاملو سال۷۱وقتی در تثبیت خودش بود و شعر را پدری می کرد گفت منوچهر شیبانی آغازگر شعر سپید بود و بی ادعا...او در یادداشتی دوست قدیمش را هم نسلی اش را ارج نهاد...شمس این را هرگز نیاموخت که توهم را کنار بگذارد و قدر شناس باشد.

..و اینکه به فرض اگر حتی شعر براهنی و رویایی را حساب نکنیم،آقای لنگروی و اطرافیانش باید بدانند امثال شاملو و شیبانی را این نفرها به این نسل شناسانده و واکاوی کرده اند...کاش روزی بفهمند

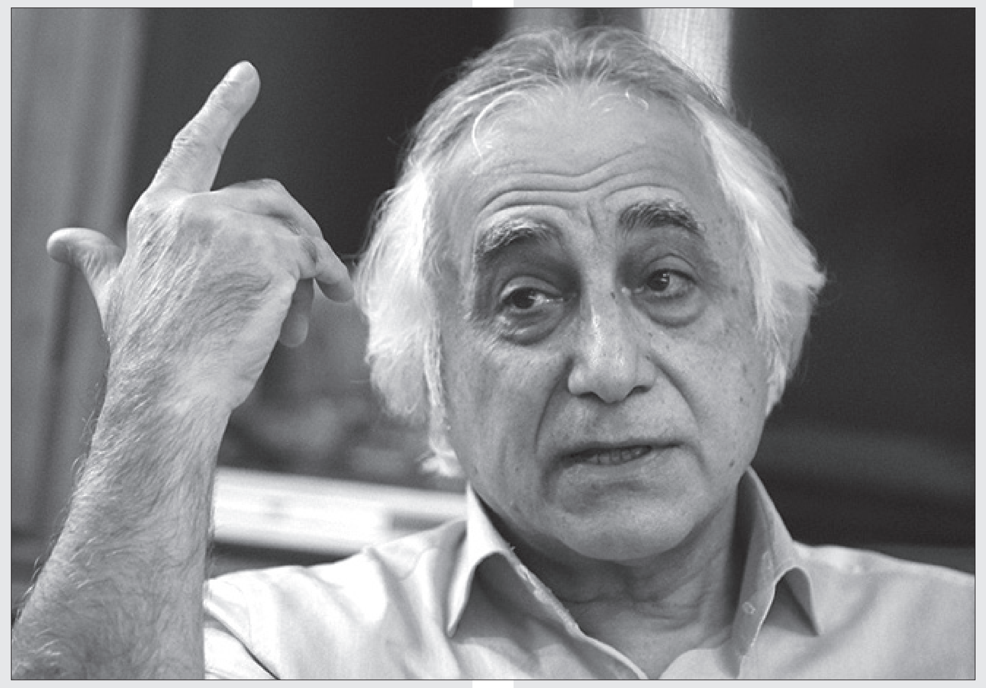

هوشیار انصاری فر

# رو به شمس لنگرودی

اگر چه سـابقه شـاعری او تا دهه ۵۰ و از آن پیشتر هم می رسد، شـمس لنگرودی و شـعر او همراه دو سه تن دیگر بیش از هر چیز در ذهن و شاید بسیاری از خوانندگان کم شمار شعرنو در آن سال ها با دهه شصت گره خورده است. خاطرم هست آخرهای آن دهه او در یکی از معدود نشریات مستقل موجود با خشم و سرخوردگی در دفاع از شعر آن سال ها نوشته بود.ده سال تلخ سپری شده بود و شعر که روزگاری چشم و چراغ ادبیات جدید فارسی به شمار می رفت، در محاق رفته بود. نام آوران شعر نو که زمانی نوشته هاشان را چون ورق زر دست به دست می بردند و جوانان مشتاق برای شنیدن صدایشان صف به صف می ایستادند، به ورطه تکرار یا وادی سکوت پناه برده بودند. صدایی اگر برمی خاست، صدای بی رمق تقلید بود و همگان کم کم بر سر اینکه بیمار محتضر از خواب برنخواهد خاسـت به اجماع بر زبان نیامده ای دسـت می یافتند. رفته رفته بسیاری به این نتیجه رسیده بودند تلویحاً که پروژه شعر نو، اعم از نیمایی و غیر آن، به بایگانی تاریخ ادبیات سپرده شده اسـت. گمان بر آن بود که این پرنده اوج های خـود را درنوردیده و دیگر سراشـیب فرود افتاده تا کسی آشیان نشین خلوت خاطره خلق شـود تا ابد. دکان چامه و چکامه در بازار بازگشـت از نو باز شـده بود و سیاست رسمی حاکم بر رسانه ها و تدوین کتاب های درسی هـم دامن زننده به وضع موجود بود. در این میان قصه فارسـی، از رمان های حجیم دنباله دار گرفته تا قصه کوتاه با پشت سرگذاشتن و درونی کردن چندین دهه تجربه زیسـته ایرانی به مهمترین عامل بازشناسـی و به خود آگاهی درآوردن این تجربه تبدیل شـده بود. تـوده گرایی روشـنفکری را از از رانده بود و پشـت در هم قصه نویسی مسند شاعری را قبضه کرده بود.شمس لنگرودی شاعر همراه معدودی دیگر بیش از همه چیز تداعی کننده چنان سـال هایی در ذهن خوانندگان آن دوره است. نه فقط به دلیل دفاعی که از شعر آن دوره کرد؛ دفاعی نه چندان نامنتظر از سال هایی که تقلید و تکرار و هزار باره طی کردن راه های هزار بار رفته مهمترین خاطره ای است که از آن در اذهان خوانندگان نقش بسته است.

***

سال ۱۳۵۱ در حیات شـاعری محمد شمس لنگرودی سال مهمی اسـت، سـال عبور از مرحله ای به مرحله ای دیگر، از نوعی شعر موزون احساساتی به اصطلاح «معتدل» و نه چندان پرداخته، حتی به لحاظ وزن، که شـاعر را در میان نسل خود کنار کسانی چون جعفر کوش آبادی و باباچاهی متقدم می نشاند؛جمیله جان / می بینی که ساحل ها چه خاموش است/ کنار کومه ها دیگر گل و سوسن نمی روید/ و ماهیگیرها آواز گرم روستایی را نمی خوانند

(گزیده ادبیات معاصر، صفحه ۱۰)

اگر چه عبور از شعر کلاسیک به شعر نو، علی الاصول مهم تر است و اگر چه شاعر علاوه بر تحقیق در مکتب بازگشت و سبک هندی در مطلع گزیده شعرهایش پس از ۳۲ سال لازم دیده چنین ارتکابات نوجوانانه ای را نیز یادآور شـده باشد.با این همه گذار به شاملو در ۱۳۵۱، از آنجا که تکلیف او را با مسـاله سـبک و تجربه ورزی و نوپردازی گویا یک بار برای همیشـه روشن کرده، مهمترین اتفاقی است که در حیات شاعری آقای محمد شمس لنگرودی افتاده است.

***

اما ۳۰ سـال بعد سال ۱۳۸۱ هم اگرچه دیر و دور، می شد که سال مهمی و حتی سال مهم تری از ۱۳۵۱ باشد؛

خسته ام/ از شعرهای مطنطن لیمویی خسته ام/ از ابرها که در اشعارم می بارید/ و من/ لبه های شلوارم را باید بالا می زدم....

(باغبان جهنم، صفحه ۵۵)

اما از سروده های این سال شاعر که در دو مجموعه «باغبان جهنم» و «پنجاه و سـه ترانه عاشـقانه» گرد آمده اند، جز خشم فروشی از همان دسـت که پیشتر در آخرهای دهه شصت از او سراغ داشتیم چیزی درنمی آید؛

بس اسـت دوره ی شـاملو/ زبان مطنطن و پرمعنا دیگر بس است/ بیایید و بت شکنی کنیم/ تانک ها، مسلسل ها، واژه ها را گرد آوریم/ شلیک،

(همان، صفحه ۶۳)

این دفاع مجدد از شـعر شـاملویی مورد علاقه شاعر، علی الظاهر همراه چاشنی طنز، در تناقض با سطرهایی که پیشتر نقل کردیم و با رویکرد به ظاهر تازه ای قرار می گیرد که بناست در این دو مجموعه با آن روبه رو شـویم. اگر شـعر شاملویی و شعر مطنطن را می شد معادل یکدیگر فرض کنیم البته می شد پذیریم که شاعر در این دو مجموعه از شـعر شاملویی عبور کرده است. اما اگر منطق حاکم بر سـطربندی و نوع آهنگی را هم که شاملو جایگزین عروض نیمایی مـی کند در نظر بگیریم، و حتی جنس خطاب و نحو خاصی را که بر شعر شـاملو حاکم است، آنگاه می توان به راحتی سال ۱۳۵۱ را هنوز مهمترین سال در حیات شعری شاعری تلقی کنیم که شعر را میان منویات خود تلقی می کرد، و به ابزاری که سـی و اندی سـال پیش برای بیان منویات همچون هدیه ای ارزشمند از جانب شاعری بزرگ دریافـت کرد، وفادارانه پایبند ماند و این طور که پیداست کماکان پایبند مانده است هم.

### گفتگو درباره اظهارات شمس لنگرودی در فقدان موضوع

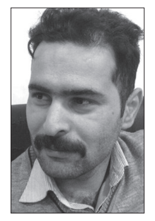

**مازیار عارفانی** ـ ما عادت کرده‌ایم همه چیز را خلاصه کنیم. آنقدر خلاصه می‌کنیم، تا در نهایت به یک امر واحد می‌رسیم و بعد شروع به تعریف از آن می‌کنیم. ذهنیت انتقادی شعر معاصر جز در خلاصه کردن و کوچکتر کردن و متحدالشکل کردن تمام صداها انگار قادر به قرائت هیچ نحله‌ای نیست. مثلا به عموم قرائت‌های شعر دهه هفتاد نگاه کنید! اکثر قرائت‌های شعر دهه هفتاد ما به همین منوال است. یعنی وقتی رفقا درباره این دهه صحبت می‌کنند، یک کل یکپارچه را مد نظر می‌گیرند تحت عنوان شعر دهه هفتاد! انگار دارند درباره برَند یک کمپانی معروف آبمیوه حرف می‌زنند که فقط طعم‌هایشان با هم فرق می‌کند! در شرایطی که شعر دهه هفتاد از علی عبدالرضایی، مهرداد فلاح تا بیژن نجدی، کوروش همه‌خوانی، تا محمد آزرم و علیرضا بهنام و هوشیار انصاریفر و عباس حبیبی بدرآبادی و رضا چایچی و حافظ موسوی و شهرام شیدایی و ابوالفضل پاشا و بهزاد خواجات و تا باباچاهی، براهنی، رویایی و تا شمس آقاجانی و حتی منصور کوشان و مفتون امینی و هرمز علیپور و حتی تا زنانی مثل مریم هوله و پگاه احمدی و رزا جمالی و گراناز موسوی و آفاق شـوهانی و کلی نام و نشـان را شامل می‌شود که جمع کردن همه اینها زیر یک لوا و آنگاه قرائت واحد بر شعر دهه هفتاد اشتباه محض است، زیرا شعر دهه هفتاد هرگز یک کل یکپارچه نبوده و برای شناخت دقیق این نسل، می‌بایست به صورت مجزا به سراغ طیف‌های فکری متفاوت و رنگارنگ این دوران رفت. زیرا ما چیزی تحت عنوان جریان شعر دهه هفتاد نداریم، بلکه فقط می‌توانیم از دهه‌ای صحبت کنیم که در آن جریان‌های متفاوت شعری، در کنار یکدیگر به ارائه اثر پرداختند. در شرایطی که متاسفانه نقدها و حرف‌ها و حدیث‌هایی که طی این سالها عموما نقل شده، حاکی از آن است که تمام این جریانها، در زیر سایه یک پرچم، به نام شعر «دهه هفتاد» به رشد و بالندگی دست یافته‌اند و این فرضیه، از اساس اشتباه و سهل انگارانه است.

ماجرای این روزهای ما نیز، رنگ و بویی مشـابه با نوع برخوردها با شـعر دهه هفتاد دارد. یعنی می‌خواهیم آنچه طی چهار دهه گذشته اتفاق افتاده را در زیر یک پرچم جمع کنیم، تفاوتها را زدوده و به یک اشتراک کلی دست یابیم: نوعی طرز تلقی و شیوه‌ی رفتاری که مسبب تک‌محوری در ادبیات ما می‌گردد و راه را بر مسیرهای تازه خواهد بست. مسلما چنین منشی، در نهایت منجر به آن خواهد شد که ما یک امر شعری را، یا ستایش کنیم یا نکوهش؛ و حد میانه‌ای نیز وجود نداشته باشد. از همین روست که ساده نویسان، شاعران زبان‌مدار را گمراه می‌خوانند و طرف مقابل نیز، ساده نویسان را متهم به بلاهت می‌کنند. کسی نیز اگر در میانه این دو راه ایستاده باشد، محکوم به نادیده شدن است. در شرایطی که اگر کلاهمان را خوب قاضی کنیم، می‌بینیم که بخش عمده‌ای از شعر امروز، دقیقا در میان همین نادیده‌شده‌ها جریان دارد و به پیش می‌رود. نادیده‌شده‌هایی که نه ناشران سراغ آنها می‌روند، نه مطبوعات و نه تریبونهایی که دنبال قهرمان آفرینی هستند!

از نگاهی به شـماره ۱۸۸۹ روزنامه شرق مورخ دوشنبه ٤ آذر ۱۳۹۲ و آن مناظره معروف شمس لنگرودی و باباچاهی تا همین صحبت‌های این یکی دو روز شمس و کلی از رفقا، نشان می‌دهد که هنوز خیلی‌ها ادبیات ایران را دو قطبی می‌بینند و راه ماندگاری خود را در حذف دیگری می‌دانند. هنوز میل به خلاصه کردن و فشردن این میوه‌های رنگارنگ در یک پاکت مقوایی تنگ به وضوح قابل مشاهده است! در شرایطی که اصولا چنین دوقطبی‌هایی وجود ندارد و اصرار بر وجود آن به سود هیچکس جز افراد صاحب قدرت در همین دو قطبی‌های خودخوانده نیست که گاه و بیگاه از ترس شکست خوردن در این بازی دوقطبی، به آغوش هم می‌پرند و همچنان که یکدیگر را سفت در آغوش فشرده‌اند، به یکدیگر فحاشی نیز می‌کنند. در شرایطی که هم آن ترس و هم آن دوقطبی‌گرایی یک توهم است.

و اما ما نسل امروز؛ بهتر است کلاه‌مان را با خودمان قاضی کنیم؛ اینکه هنوز در گیر خطاب‌به‌پروانه‌ها و هفتادسـنگ‌قبر و قصیده‌لبخندچاک‌چاک و نم‌نم‌بارانم و... هسـتیم یعنی چه؟ در اینکه اینها کتاب‌های بسیار خوب و تاثیرگذاری هستند و در زمان خودشان صاحب اهمیت تاریخی و باید خوانده شوند و به آنها پرداخته شود هیچ جای شکی نیست... اما اینکه اکثر ماها هنوز بر حقانیت روی اینها اصرار می‌کنیم و علیه دیگری در همان دوران گذشته می‌جنگیم، در خودش چه پیامی دارد؟ اینکه ما هنوز درگیر اثبات یک نحله از شعر گذشته در برابر نحله گذشته دیگری هستیم یعنی چی؟ رفقا از عمر نگارش این کتاب‌ها عموما بیش از دو دهه است که می‌گذرد، و این همه حرص و جوش برای متن‌هایی که ۲۰ سال پیش رخ داده‌اند حامل پیغام وحشتناکی است. زیرا اینها دلیل واضح و مبرهن آن است که:

اول: طی بیست سال گذشته برخلاف تمام تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، بین‌المللی و... گفتمان ادبیات همچنان درجا می‌زند و نتوانسته گفتگوی جدیدی را تولید کند.

دوم: نسـل جدید نتوانسـته اسـت. از هر حیث نتوانسته اسـت و هر چیزی را که فکر کنید نتوانسته است.

سوم: رابطه نسل‌های ادبی ایران پاره پاره و اسفناک است و همین کتابهایی که در مرکز گفتمان غالب هستند، نتوانسته‌اند منجر به تولید جریانی شوند که سبب نوزایی در عصرهای پس از خود شوند و مدینه فاضله همین دوقطبی‌گری‌ها پایان رسالت است. و خطر دقیقا از همینجا آغاز می شود.

چهارم: اگر آنها همعصر خود بودند که بودند، و نسـل‌های بعدی نتوانستند گفتمان در خوری را ایجاد کنند، ما اینک از عصر خودمان بیسـت سال عقب‌تریم و در دوران ارتجاع ادبیات بسر می‌بریم.

پنجم: ... و ششم: ...

بخش دوم نگاه سهند آدم عارف به

# موسیقی پست مدرن

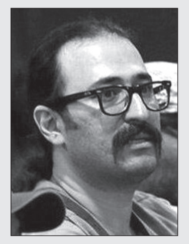

**تداوم جریان اصیل**

جریان پست‌مدرنیستی برآمده از سنت موسیقی مدرن به جان کیج ختم نمی‌شود و با دیگرانی ادامه می‌یابد. تری رایلی، زاده شده به سال ۱۹۳۵ یکی دیگر از پست‌مدرنیست‌های متاخر در موسیقی محسوب می‌شود؛ رایلی ساکسفونیست‌بودواست‌آثاری‌همچون«پیشینه‌کالیفرنیایی»«خشخاش‌های بدو گروه فریبنده» و «قوس و قزح در فضای منحنی» را خلق می‌کند که بنا به قولی تداعی‌گرعوالم‌خلسه‌مانندهستند.

همچنین در این راستا می‌شود از استیو رایچ، زاده شده در سال ۱۹۳۶ نام برد کـه قطعه تاثیر گذار با نام «قطارهای در حال گذر» برای کوارتت زهی و صداهایی از پیش ضبط شده قطار از یادها نرفته است. فیلیپ گلاس نیز «علاوه بر یک اتود از موسیقی سرخپوستی، چندین اپرا بر پایه عقاید و ایده‌های مینی‌مالیستی ساخته است که «اخناتون و اینشتین در ساحل» یکی از این اپراها است». جان آدامز(متولد ۱۹۴۷) از دیگر پست‌مدرنیست‌ها به حساب می‌آیدکه‌اپرای‌بسیارمعروف«نیکسون‌درچین» و همچنین قطعه «حلقه‌های تکان‌دهنده» از جمله آثار تعیین کننده و تاثیر گذار او به حساب می‌آید.

**و حالا... پیش به سوی مردم**

از این به بعد اسـت که «در موسیقی در وضعیت پست‌مدرن نقش هنر در جامعه مصرف گرا و تولیدات انبوه مورد بررسـی قرار می‌گیرد. به این معنی که موسیقی مدرن تنها در موسیقی جدی (کلاسیک و جز) خلاصه می‌شد،ولی حالا در موسیقی در وضعیت پست‌مدرن تفاوت بین موسیقی جدی و موسیقی پاپ مد نظر نیست؛ به همین دلیل دریچه جدیدی گشوده می‌شود و آن بوجود آمدن مخاطب بسیار زیاد برای محصول ارائه شده است. همین موضوع باعث ایجاد شـاخه‌های دیگری در موسیقی در وضعیت پسـت‌مدرن شده و روش‌های جدید و پیشرفته‌تر در ضبط موسیقی خود از اتفاقات مهم موسیقی در وضعیت پست‌مدرن تلقی می‌شود. استفاده از سمپل‌ها و سینتی سایزرها که روز به روز پیشرفته‌تر و با قابلیت‌تر می‌شوند رونق می گیرد. ادگار وارس یکی از پیشروها در این زمینه است که با استفاده از سینتی سـایزر امکانات مختلف به‌کارگیری سـازهای الکترونیک را بررسی می‌کند. در عرصه موسیقی پـاپ، گروه بیتلز Beatles اولین گروهی اسـت که اقدام به استفاده از ضبط صداهای چند لایه‌ای و میکس می‌کند و به‌وسیله‌صدابرداران‌قابلی‌همچون‌آلن‌پارسونز‌که‌در‌آلبوم«نیمه تاریک ماه» the drak side f the mn با گروه پینک فلوید pink Flyd نیز همکاری دارد، تکنیک‌های صدابرداری به اوج شکوفایی می‌رسند.

**مردم:مامی‌خواهیم‌دنباله‌روباشیم!**

«از دیگر پیامدهای موسیقی پست‌مدرن گرایش مخاطب به زیر مجموعه بودن و طرفداری از قشـری خاص است که با گرایش به هیپیزم در دهه ۱۹۷۰ میلادی که از مشتقات موسیقی و فرهنگ راک به حساب می‌آمد اوج می‌گیرد و مورد اخیر آن یعنی گرایش به موسیقی و فرهنگ رپ، که حتی می‌تواند برای مدت‌های خیلی طولانی خط‌دهنده به طرز فکر و نوع پوشش مخاطبانش باشد».

**چالشی باجهان‌افسون‌زده‌مصرف‌گرا**

پس از رشد یافتن و قوام موسیقی الکترونیک در دهه‌های ۶۰ و ۷۰، علاوه بر رواج شدید موسیقی راک و به تبع آن شاخه‌های برآمده از دل موسیقی راک همچون سایکودلیک، آلترناتیو، هوی‌متال، ترش متال و از سوی دیگر شـکل گیری صورت ابتدایی موسیقی «آر اند بی» یا همان ریتم اند بلوز، همزمـان با ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی، جریان‌های جدیدی در موسیقی هم‌گام با مطرح شدن نظریات تکثر فرهنگی،دهکده‌جهانی و جهان‌محلی شدن، در موسیقی به‌وجودمی‌آیدکه بابیانی هجوآمیز و عصیان‌گرانه، فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌هـای مصرف‌گرایانه بوجود آمده ناشـی از سـرمایه‌داری متاخر را به چالش می‌کشند و در این راه هیچ حد و مرزی برای خود قائل نیستـند. افرادی همچون جیم موریسون، دیوید بووی، نیک کیو، فرانک زاپا، آدریانو چلنتانو، تام ویتز و گروه‌هایی همچون «دورز»، «رد هات چیلی پپرز»، «ریدیو هد»، «آنائما»، «جترو تول»، «تایگر لیلیز»، «دیپیچ مود» و ... ظهور می‌کنند که آثارشان برخوردار از اغلب انگاره‌ها و مولفه‌هایی است که در «دنیای شجاع جدید» از آنها با عنوان انگاره‌های پست‌مدرنیستی یاد می‌کنند.هرچند شاید به نظر این قبیل گروه‌ها و آثارشـان در برخورد نخست چندان ارتباطی با پست‌مدرنیست‌های متقدمی همچون جان کیج نداشته باشند اما چون نیک بنگریم، نخ ارتباطی ظریف و حتی نامرئی میان آنان قابل تشخیص است.

**از «نینا روتو» تا «ادیت پروگ»؛ از پارازیت تا نویزهای شبانه‌روزی**

اما شاید پست‌مدرنیست‌های متاخری همچون «نینا روتو» و «ادیت پروگ» بیش از سایر افراد و گروه‌هایی که نام بردیم وامدار و ادامه‌دهنده راه جان کیج به‌حساب‌بیایند،آنجاکه‌یکی‌از سرزمین آفتاب تابان در شرقی ترین نقطه کره زمین همه موسیقی‌اش رابامتریال‌اصواتی‌همچون‌پارازیت‌و‌امواجی‌بادامنه صوتی حداکثری و حداقلی شکل می‌دهد و دیگری از سرزمین آفتاب پنهان! در شمال غربی‌ترین مناطق اروپا یعنی اسکاندیناوی موسیقی خود را تبدیـل به ریتم‌های متنوعی از نویزها و سـروصداهای الکترونیکی می‌کند. این اصالت بخشیدن به صدا به جای موسیقی، دوری از مرکزیت تونال، سعی در حذف عناصر تماتیک و برجستگی‌های ملودیک و البته بهره‌گیـری از نمادهای آزاردهنده عصر فناوری اطلاعات و به‌کار گیری طعنه‌آمیز این نمادها، موسیقی این دو را تبدیل بـه رادیکال‌ترین انواع موسیقی پسـت‌مدرن کرده اسـت که امروزه می‌توان رصدشان کرد و عملکردشان را پیگیری کرد.

**تاثیر هنرهای جدید بر موسیقی و بالعکس**

انچه که در هنرهای جدیدی همچون هنر اجرایی (perfrmance art) ، هنر محیطی (invirnment art) ، هنر تعاملی (interactive art)، هنر چیدمان (instalatin)، هپنینگ (Hapening) و بریکولاژ اهمیت دارد، محدود نشدن کنش هنری به مرزهای یک هنر خاص است و در این وادی است که فعالیت هنرمند خود را در فراسوی مرزهای ژانر هنری قرار می دهد و اتفاقی بینا رشته ای به وقوع می پیوندد. ممکن است هنر اجرایی با تمرکز بر موسیقی باشد یا نباشد و در همه ژانرهای ذکر شده ممکن است تکیه اصلی بر موسیقی باشد، از این وقت است که برای طبقه بندی و بررسـی اثر مذکور می توانیم با فراغ بال ان را تحت نام «موسیقی پست مدرن» طبقه بندی کنیم و اب هم از اب تکان نخورد. از این منظر است که هرکدام از ژانرها در هنر جدید و مفهومی توانسته‌اند تاثیر خاص خودشان را بر ارگان موسیقی و به طور خاص «موسیقی پست مدرن» بگذارند و بر عکس این موضوع هم صادق اسـت یعنی با ورود هنرمندان عرصه موسیقی به کارزار هنرهای جدید، ژانرهای مختلف در هنرهای جدید نیز مرزهای بسیار گسترده تری را پیش روی خود دیده‌اند.